

نگاهی روان‌شناختی به «انسان کامل از دیدگاه قرآن»

محمدتقی محمدی*

*محمد رضا سالاری‌فر**

چکیده

هدف از این پژوهش عبارت بود بر داشتن گامی در جهت ارائه یک تحلیل روان‌شناختی از «انسان کامل در قرآن» و به دنبال آن، پاسخگویی به این سؤال که «چگونه می‌توان محتواهای قرآنی مربوط به انسان کامل را ساختاری روان‌شناختی داد؟». روش پژوهش عبارت بود از تحلیل مفهومی و نظری مفاهیم مربوط به «انسان کامل» با روش‌شناسی رایج در حوزه‌های علمیه و علوم اسلامی، این تحقیق با بررسی و تحلیل آیات قرآن در مورد انسان‌های برتر، فهرستی از معادلهای انسان کامل را از قرآن استنباط نمود. آنگاه با التزام به مفاهیم آیات قرآن به قالب‌بریزی آن در مفاهیم اساسی دانش روان‌شناسی پرداخت.

براساس دستاوردهای این تحقیق که رویکردی میان‌رشته‌ای را تعقیب کرده، ویژگی‌های انسان کامل در چهار دستهٔ شناختی، رفتاری، عاطفی و سه‌جهنگی از قرآن را استخراج و در قالب چند مدل تصویری ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: انسان کامل، قرآن، روان‌شناسی، شناخت، رفتار، عاطفه

Email: M_Salarifar@yahoo.com

* استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه

** عضو هیئت علمی گروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۸/۲۸ تاریخ تأیید: ۹۰/۱۲/۲۵

مقدمه

انسان کامل، مفهومی است که از دیرباز مورد توجه فلسفه بوده است. فلسفه‌ای مانند افلاطون، ارسطو و اپیکور در این مورد دیدگاه‌هایی را ارائه داده‌اند (بشيری، ۱۳۸۸). فلسفه مشاء مانند ابن‌سینا، کمال انسان را در فلسفه نظری و فلسفه عملی یعنی اخلاق می‌دانستند (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ق، ص ۱۷). حکمت متعالیه علاوه بر تأکید بر عقل به مرکب دل نیز می‌پردازد و کمال انسان را در دو بعد می‌داند (شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۲۲؛ ج ۹، ص ۷۶) عرفانیز به کمال انسان پرداخته و از جمله آنها می‌توان از نسفي (الانسان الكامل) و جیلى (الانسان الكامل في معرفة الا واحد والاوائل) نام برد.

روان‌شناسی به عنوان یک علم تجربی جدید، مفهوم انسان کامل و رشدیافته را مدنظر قرار داده و دیدگاه‌های مختلف روان‌شناسان را در این مورد ارائه کرده است (شولتس، ۱۳۸۴). یکی از مسائل جالب توجه در این موضوع آن است که چگونه می‌توان تلفیقی از دیدگاه اسلامی و روان‌شناختی از کمال انسان را ارائه داد. به عبارت دیگر اگر آموزه‌های متون اسلامی خصوصاً قرآن را در مورد کمال انسان جستجو کیم، آیا می‌توان آن را در قالبی روان‌شناختی ارائه کرد؟ در این صورت، می‌توان مقایسه‌هایی بین دو دیدگاه انجام داد. بر این اساس مسئله این تحقیق آن است که چگونه می‌توان ویژگی‌های انسان کامل در قرآن را در قالبی روان‌شناختی ارائه داد؟

روش‌شناسی

در این پژوهش ابتدا با مطالعه «توصیف‌های مربوط به انسان‌های برتر در قرآن»، مجموعه‌ای از صفات به دست آمد. بدین منظور همه آیات قرآن، مطالعه شد. برای کشف ویژگی‌های انسان کامل در قرآن، به صفات انسان‌های نمونه نامبرده شده در قرآن نیز توجه شد. صفات و ویژگی‌های انسان‌های برتر، به کمک تحلیل محتوای آیات قرآن به دست آمد.

در مرحله دوم، با پذیرفتن این تعریف از روان‌شناسی که دانش مطالعه رفتار، عواطف، انگیزه‌ها و فرآیندهای شناختی انسان است، هر یک از ویژگی‌های انسان کامل را در یکی از چهار دسته قرار دادیم؛ به این ترتیب، ویژگی‌های انسان کامل را در چهار دسته قرار دادیم: ویژگی‌های شناختی، عاطفی، رفتاری و ویژگی‌های سه‌جنبه‌ای.

مفهوم‌شناسی انسان کامل در قرآن

برای بررسی ویژگی‌های انسان کامل در قرآن باید به دنبال اوصافی باشیم که مراتب بالای سعادت را نشان می‌دهد و فرد در آن مرتبه، از نقص‌ها، عیوب و ضعف‌های انسان‌های عادی

مبرا است. بنابراین استفاده از نرم‌افزار جامع الاحادیث و کلیدواژه‌هایی مانند تقوا^۱، فلاح^۲، سعادت^۳، فوز^۴، ایمان^۵ و اسلام^۶ می‌تواند قدم اول کمال باشد؛ در قدم دوم باید درک و فهم درستی از مراتب بالاتر این اوصاف داشته باشیم؛ مثلاً از دیدگاه قرآن گرامی‌ترین افراد، کسانی هستند که تقوای بیشتری دارند. همچنین باید به دنبال ویژگی‌هایی باشیم که نشانگر کامل‌ترین ایمان‌ها است. چنان‌که در روایات با چنین تعبیرهایی مواجهیم.^۷ در روایات معصومان آمده است که کمال در «تفقّه در دین» (کلینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۳)، «صبر در مصائب»، «اندازه نگه داشتن در معیشت» (مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۷۸)، «جهاد در راه اصلاح نفس» (آمدی، ۱۳۶۶، ح ۱۳۱۸)، «پارسایی و حسن خلق» (مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۷۰، ص ۲۹۰) و کلینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۳)، «جذیّت» (آمدی، ۱۳۶۶، ح ۱۷۲)، و «کمک به نیازمند» (همان، ح ۱۷۷) است. در روایت دیگر آمده است که مردان زیادی به کمال رسیده‌اند ولی از زنان تنها چهار زن به کمال رسیده‌اند: آسیه همسر فرعون، مریم دختر عمران، خدیجه دخت خویلد و فاطمه دخت محمد(ص) (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۰، ص ۴۸۰).^۸

قرآن کریم، حضرت آدم(ع) و انسان‌های دیگر را خلیفه خدا در زمین معرفی نموده است؛^۹ «به طوری که صفات و ویژگی‌های او پرتویی از صفات پروردگار باشد. بی‌تر دید انسان‌هایی می‌توانند خلیفه خدا در زمین باشند که در ویژگی‌های کمال انسانی سرآمد باشند. داود(ع) از جمله این افراد است».

کلمه دیگر «امام» است. در قرآن کریم می‌فرماید: «(به خاطر بیاورید) هنگامی که خداوند ابراهیم را با وسایل گوناگون آزمود، و او به خوبی از عهده برآمد، خداوند به او فرمود: من تو را امام قرار دادم».^{۱۰}

خداوند ابراهیم را به ترتیب اول عبد، بعد نبی، بعد رسول، بعد خلیل قرار داد. پس چون

همه آن موارد در او جمع شد فرمود: «تورا امام مردم قرار دادم».^{۱۱}

حضرت ابراهیم ۶۹ مورد در قرآن کریم ذکر شده و در ۲۵ سوره سخن از او مطرح گردیده است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۴۴۶). به باور شهید مطهری حضرت ابراهیم

۱. بیش از ۲۴۰ آیه قرآن در مورد تقوا آمده است.

۲. آیه درباره سعادت آمده است (هدود، ۱۰۸-۱۵۰).

۳. آیه درباره فوز آمده است (هود، ۴۰-۴۲).

۴. آیه درباره ایمان آمده است (آل‌عمران، ۱۰۰).

۵. بیش از ۸۲۰ آیه قرآن در مورد ایمان آمده است.

۶. بیش از ۱۰۰ آیه قرآن در مورد اسلام آمده است.

۷. «إنَّ أكْمَلَ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا حَسْتَمْ خَلَقْنَا» (کلینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۹۹).

۸. «...خَلِيقَةٌ فِي الْأَرْضِ...» (بقره، ۱۲۴).

۹. «فَالَّتِي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» (بقره، ۱۲۴).

۱۰. «إِنَّى جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» (کلینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۴۶).

انسان کاملی است که ارزش‌های انسانی در او هماهنگ با هم رشد کرد و رشدشان به حد اعلا رسید (مطهری، ۱۳۶۲، ص. ۲۸).

یکی دیگر از معادل‌های انسان کامل، را می‌توان «اسوہ حسن» دانست. در قرآن کریم آمده: «همانا برای شما در (روش) ابراهیم و کسانی که با او بودند، سرمشق خوبی است، زیرا به قوم مشرک خود گفتند: همانا ما از شما و از آنچه جز خدا می‌پرستید، بیزاریم».^۱ و در مورد پیامبر اسلام نیز این آیه آمده که: «برای شما در رسول الله سرمشق نیکوبی است».^۲

معادل دیگری که برای انسان کامل آمده کلمه «سابقون» است. «و (سومین گروه) پیشگامان پیشگامند، آنها مقربانند! در باغ‌های پر نعمت بهشت (جای دارند)!».^۳

بعضی از مصادیق سبقت گرفتن از دیدگاه قرآن عبارت‌اند از: «پیشی گرفتن در ایمان»،^۴ «سبقت گرفتن در کارهای نیک».^۵ بنابراین در آیات قرآن هر جا سخن از ویژگی‌های فوق در حد بالا بود، می‌توانیم، آیه فوق را مربوط به انسان کامل و ویژگی‌های آن بدانیم.

در آیات قرآن عبارات دیگری را می‌توان یافت که دلالت بر انسان کامل دارد. قرآن از انسان‌هایی سخن می‌گوید که خدا به آنان نعمت داده است. به نظر می‌رسد تعبیر «أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ» از دیگر راههای کشف ویژگی‌های انسان کامل در قرآن است. این افراد عبارت‌اند از: انبیاء، صدیقین، شهداء و صالحین (نساء، ۶۹). و «کسانی که حکمت داده شده‌اند»،^۶ نیز نمونه‌هایی از انسان‌های کامل هستند. در مورد کشف مصادیق این اوصاف می‌توان با استفاده از آیات قرآن گفت که انبیای الهی در رأس انسان‌های کامل هستند. اوصیای انبیاء در درجه دوم هستند. با بررسی ویژگی‌های این انسان‌ها نیز می‌توان به صفات انسان کامل از دیدگاه قرآن دست یافت. به این ترتیب می‌توان اوصاف پیامبران اولو‌العزم یعنی ابراهیم، موسی، عیسی، و حضرت محمد(ص) و سایر پیامبران مانند داود، سلیمان، اسماعیل، یعقوب و یوسف(ع) و برخی انبیای دیگر را از اوصاف انسان کامل دانست.

امام باقر(ع) مصدقابارز «السابقون» را انبیا می‌دانند (صفار قمی، ۴۰۴ق، ص ۴۴۸).

۱. «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَاتَلُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بِرَأْءَهُمْ مِنْ مَا تَعْدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرُوا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْغُضَنَاءُ أَبْدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحْدَهُ إِلَّا قَوْلُ إِبْرَاهِيمَ لِأَيْهِ لَا سَتَغْفِرُنَّ لَكُمْ وَمَا أَمْلَكُ لَكُمْ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ وَرَبَّنَا عَلَيْكَ تَوْكِلْنَا وَإِلَيْكَ أَتَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصْبِرُ» (متحنه، ۴).

۲. «الَّذِيْنَ كَانُوكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب، ۲۱).

۳. «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ * فِي حَنَّاتِ النَّعِيمِ» (واقعة، ۱۲-۱۰).

۴. «سَبَقُونَا بِالْأَيَّمَانِ» (حشر، ۱۰).

۵. «فَاسْتَقْوَدُوا الْخَيْرَاتِ» (بقره، ۱۴۸).

۶. «يَوْتَى الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتَى خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَدْكُرُ إِلَّا أُوتُوا الْأَكْبَابِ» (بقره، ۲۶۹).

کلمه «مخالصین» به فتح لام، نیز می‌تواند به انسان کامل اشاره داشته باشد. «و در این کتاب (آسمانی) از مُوسی یاد کن، که او مخلص بود و رسول و پیامبر والامقام!». ^۱

در وجه افتراق میان مخلص به کسر لام و مخلص به فتح لام گفته شده که مخلص به کسر لام به کسی می‌گویند که کارش فقط برای خداوند است ولی ممکن است شیطان در او اثر بگذارد، اما مخلص به فتح لام آن گروه برگزیده‌ای هستند که شیطان راه نفوذ بر آنان را ندارد (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ج ۱۱، ص ۷۳).

عبارت اصطفاء «برگزیدگان حق» نیز اشاره به مصاديقی از انسان کامل دارد. کسانی که از جانب خداوند برگزیده شده‌اند، انسان‌های کامل هستند.

«به‌راستی که خداوند، آدم و نوح و آل‌ابراهیم و آل‌عمران را بر جهانیان برتری داد». ^۲ (و به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته؛ و بر تمام زنان جهان، برتری داده است. ^۳

«رَبِّيْون» نیز اشاره به انسان‌های رشد یافته دارد که به غیر خدا مشغول نمی‌شوند. «چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگ کردند! آنها هیچ‌گاه در برابر آنچه در راه خدا به آنان می‌رسید، سست نشدند (و تسلیم نگردیدند) و خداوند استقامت‌کنندگان را دوست دارد». ^۴

«أَوْلِيَاءُ اللَّهِ» نیز به مصاديقی از انسان کامل اشاره دارد. «اگاه باشید (دوستان و) اولیای خدا، نه ترسی دارند و نه غمگین می‌شوند! همانها که ایمان آورند و (از مخالفت فرمان خدا) پرهیز می‌کرندن». ^۵ اولیا، جمع «ولی» به مفهوم نبودن واسطه میان دو چیز و نزدیکی و پی‌درپی بودن آنها است. به همین دلیل به هر چیزی که نسبت به دیگری قربات داشته باشد خواه از نظر مکان یا زمان یا نسب و یا مقام «ولی» گفته می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ج ۸، ص ۳۳۳).

در تعدادی از آیات قرآن، صحبت از «عِبَادُ الرَّحْمَنِ» شده است (فرقان، ۷۴-۶۳). می‌توان مجموعه اوصافی را که برای این‌گونه افراد گفته شده است، مربوط به انسان‌هایی رشد یافته و کامل‌تر از سایرین دانست.

۱. اَوَادُكُرْنِي الْكِتَابُ مُوسَى إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا لِّيٰ» (مریم، ۵۱).

۲. إِنَّ اللَّهَ أَصْطَفَنِي أَكَمَ وَتُنْحَى وَإِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عُمَرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ (آل عمران، ۳۳).

۳. إِنَّمَا قَاتَلَ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْمُونَ إِنَّ اللَّهَ أَصْطَفَكَ وَطَهَرَكَ وَاصْطَفَاكَ عَلَى نَسَاءِ الْعَالَمِينَ (آل عمران، ۴۲).

۴. اَوَيَكَلِمُ النَّاسَ فِي الْحَمْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ (آل عمران، ۴۶).

۵. «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا حَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْرُثُونَ * الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ» (یونس، ۶۲ و ۶۳).

کلمه «مقرین» را نیز می‌توان در معرفی انسان کامل به کار برد. «مقرین گروهی از خاصان و برگزیدگانِ مؤمنانند که مقامی بس والا دارند و شاهد نامه اعمال ابرار و نیکان دیگرند» (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ج ۲۶، ص ۲۷۳). «(به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: ای مریم! خداوند تورا به کلمه‌ای [=وجود باعظامتی] از طرف خودش بشارت می‌دهد که نامش مسیح، عیسیٰ پسر مریم است؛ در حالی که در این جهان و جهان دیگر صاحب شریعت خواهد بود و از مقربان (الله) است».^۱

کلمه «اولو‌الالباب» نیز^۲ امرتبه در قرآن آمده و در هر بار با یک ویژگی از انسان کامل بیان شده است. بعضی از ویژگی‌های اولو‌الالباب عبارت‌اند از: ۱. راز احکام را می‌فهمند: «و برای شما در قصاص، حیات و زندگی است، ای صاحبان خرد! شاید شما تقوا پیشه کنید»؛^۳ ۲. آینده‌نگر می‌باشند: «و زاد و توشه تهیه کنید، که بهترین زاد، پرهیزکاری است و پرواپیشه باشید ای خردمندان»؛^۴ ۳. دنیا را محل گذر می‌دانند نه مقصد: «بازالهَا! اینها را بیهوده نیافریده‌ای! متزهی تو! ما را از عذاب آتش، نگاه دار!»؛^۵ ۴. از تاریخ درس عبرت می‌گیرند: «در سرگذشت آنها درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود»؛^۶ ۵ بهترین منطق را می‌پذیرند: «همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترين آنها پيروی می‌کنند»؛^۷ ۶. اهل تهجد و عبادت شبانه‌اند: «(آیا چنین کسی بالارزش است) یا کسی که در ساعات شب به عبادت مشغول است؟»؛^۸ ۷. اهل علم واقعی می‌باشند: «آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟»؛^۹ ۸. بنابراین اهل علم واقعی کسانی هستند که در همه حال به خداوند توجه دارند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ج ۱۹، ص ۳۹۶).

در مجموع می‌توان استنباط کرد که قرآن کریم انسان کامل را با معادل‌هایی مانند: «خلیفه در روی زمین»، «امام»، «سابقون»، «محاصلین»، اصفیاء «برگزیدگان حق»، «أَوْلَاءِ اللَّهِ» و «اولو‌الالباب» آورده است؛ علاوه بر این کلمات، معادل‌هایی مانند تقوا، فلاح، فوز، سعادت، ایمان و اسلام نیز می‌تواند نشانگر مراحلی از کمال باشد. در مجموع می‌توان کلمات و عبارات معادل انسان کامل را در سه دسته زیر قرار داد:

۱. «إِذْ قَاتَ الْمُكَتَّبَةُ يَا مُرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يَعِشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ فِيهِ أَسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مُرْيَمَ وَجِئِهَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقْرَّبِينَ» (آل عمران، ۴۵).

۲. «أَوْلَكُمْ فِي الْقَصَاصِ حَيَاةً يَا أَوْلَى الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقَوْنَ» (بقره، ۱۷۹).

۳. «تَرَوَدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الرَّازَادِ التَّقْوَى وَلَتَقُولُنَّ يَا أَوْلَى الْأَلْبَابِ» (بقره، ۱۹۷).

۴. «إِنَّمَا حَلَقَتْ هَذَا بِاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقَنَّا عَذَابَ النَّارِ» (آل عمران، ۱۹۱).

۵. «الَّتِيْدَ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِيْرَةً لِأَوْلَى الْأَلْبَابِ» (یوسف، ۱۱۱).

۶. «الَّذِينَ سَسْطَعُونَ الْقَوْنَ... أَوْلَيْكُمْ هُمْ أَوْلُوا الْأَلْبَابِ» (زمیر، ۱۸).

۷. «أَمَّنْ هُوَ قَانِتُ آنَاءَ اللَّيْلِ... إِنَّمَا يَتَدَكَّرُ أَوْلُوا الْأَلْبَابِ» (زمیر، ۹).

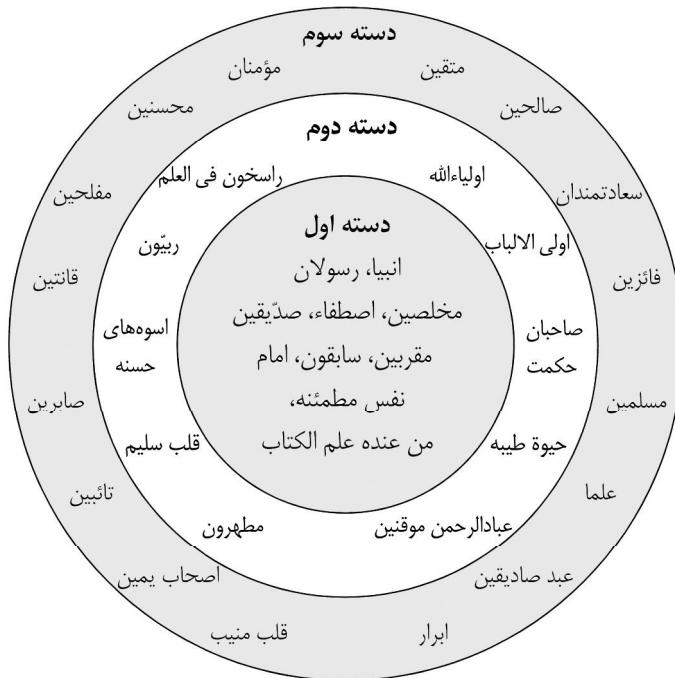
۸. «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ» (زمیر، ۹).

۱. کلماتی است که بر انسان کامل انطباق صدرصدی دارد. مثل: نبی، رسول، مرسل، مخلص، اصفیاء، صدیقین، مقربین، سابقون، امام و ائمه؛

۲. کلماتی است که معرف بخشی از انسان کامل است، مثل: **الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ**، **أَوْلَيَاءُ اللَّهِ**، **أُوْلَئِكَ الْأَلَيَّابِ**، **رَبِّيْونَ**، **صَاحِبَانِ حُكْمَتِ**، **عِبَادُ الرَّحْمَنِ**، **اَسْوَةٌ حُسْنَهُ** و...؛

۳. کلماتی است که مشترک بین انسان‌های کامل و سایر انسان‌هایی است که از حدی از کمال برخوردارند. مثل **اِيمَان**، **اِسْلَام**، **سَعَادَت**، **فَلاح**، **فُوز**، **تَقْوَا**، **شَهَدا**، **صَالِحِينَ**، **مَحْسِنِينَ**، **قَانِتِينَ** و مشتقات آنها؛ (شکل ۱) رابطه و همپوشی معادلهای انسان کامل در قرآن کریم را نشان می‌دهد.

بنابراین در بررسی انسان کامل در قرآن لازم است همه معادلهای فوق بررسی شود و آیات مربوط با استفاده از روش‌های معتبر تفسیری تجزیه و تحلیل گردد.



شکل ۱: نمایش رابطه و همپوشی معادلهای انسان کامل در قرآن کریم

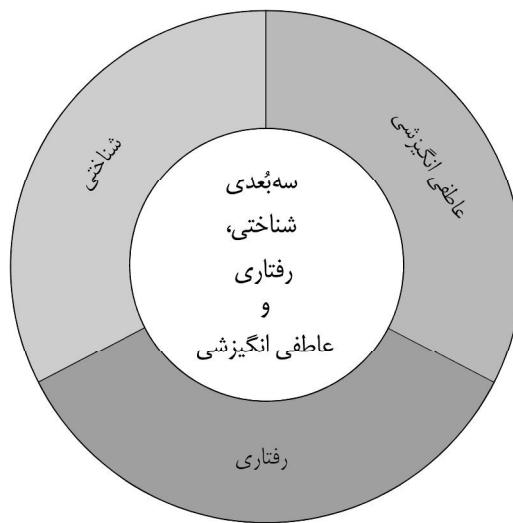
دسته اول: کلمات کاملاً منطبق بر انسان کامل

دسته دوم: کلمات نسبتاً منطبق بر انسان کامل

دسته سوم: کلمات مشترک بین انسان کامل و مراتب پایین‌تر

نشانه‌های انسان کامل

اکنون براساس معادلهایی که برای انسان کامل بیان شد، ویژگی‌های انسان کامل، را بررسی می‌کنیم. از آنجا که این پژوهش به دنبال تحلیل ویژگی‌های انسان کامل در قرآن در قالبی روان‌شناختی است، این ویژگی‌ها را در یک ساختار سه‌بعدی ترسیم کردیم (شکل ۲). این سه بعد عبارت‌اند از: بعد شناختی، عاطفی انگیزشی و رفتاری انسان. روشن است که برخی از ویژگی‌ها در یکی از ابعاد فوق قرار می‌گیرد و برخی دیگر چندبعدی است و ممکن است هر سه جنبه شناختی، عاطفی گرایشی و رفتاری از آنها برداشت گردد. اکنون به بررسی این ویژگی‌ها در چهار قسمت فوق می‌پردازیم:



شکل ۲: تقسیم‌بندی ویژگی‌های انسان کامل در چهار نوع رفتاری، عاطفی انگیزشی، شناختی و سه‌بعدی

۱. ویژگی‌های شناختی

در این قسمت به بررسی بخشی از ویژگی‌های انسان کامل می‌پردازیم که کاملاً به دانش، تفکر و فرآیندهای شناختی انسان اختصاص دارد و می‌توان آنها را در این امور خلاصه کرد: دانش مستقیم وحیانی، دانش لدّتی (علم کتاب، علم به ملکوت، تعییر رؤیا، زبان حیوانات) علوم کتاب الهی، حکمت، تفکر و تدبیر ویژه، تذکر و هوشیاری، علوم بشری و دنیوی. روشن است که برخی علوم مانند دانش وحیانی اختصاص به گروهی از انسان‌های کامل یعنی انبیا دارد.

دانش طلبی انسان کامل

الف) سخت کوشی در طلب علم: «موسی(ع) به همراهش گفت: من دست از جستجو برنمی‌دارم تا به محل برخورد دو دریا برسم، حتی اگر سال‌ها (به راه خود) ادامه دهم».^۱ او در طلب علم از استاد آماده بود که یک عمر به دنبال او باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ج ۱۲، ص ۴۸۱).

ب) ادب در پیشگاه استاد: «حضرت موسی در علم شریعت از خضر آگاهتر بود، ولی خضر در رشته دیگری غیر از آن آگاهتر بود» (تفسیر نور، ج ۷، ص ۱۹۸). علامه طباطبایی بعضی از روایات مربوط به حضرت موسی و خضر را حمل بر اختلاف نوع علمی که آن دو نفر داشتند، می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۱۳، ص ۳۸۴). به هر ترتیب حضرت موسی با «هل» اجاهه پیروی کردن از خضر را طلب کرد و این کمال تواضع یک انسان کامل در برابر استاد را می‌رساند (عاملی، ۱۴۰۲ق، ص ۱۰۷).

ج) به دنبال علم تعالیٰ یخشن: انسان کامل در بی‌دانشی است که باعث رشد و شکوفایی او گردد و برای وی فروتنی به ارمغان آورد. حضرت موسیٰ به خضر گفت: «آیا از تو پیروی کنم تا از آنچه به تو تعلیم داده شده و مایه رشد و صلاح است، به من بیاموزی؟!».^۲

دانش لدنی انسان کامل

الف) علم تعییر رؤیا: (و با یوسف دو جوان دیگر وارد زندان شدند. یکی از آن دو نفر (نژد یوسف آمد و) گفت: من در خواب دیدم که برای شراب [انگور] می‌فشارم و دیگری گفت: من خود را در خواب دیدم که بر سرم نانی می‌برم و پرنده‌گان از آن می‌خورند ما را از تعییر خواب‌مان آگاه ساز، که ما تو را از نیکوکاران می‌بینیم^۳ و حضرت یوسف خواب هر دو را درستی تعییر کرد. خواب پادشاه را نیز تعییر کرد.

ب) داوری مناسب: کسانی می‌توانند منصب داوری را به عهده بگیرند که مثل داوود از دانش مناسبی برخوردار باشند. و حکومت او را (داود) استحکام بخشیدیم. (هم) دانش به او دادیم و (هم) داوری عادلانه^۴.

١. «وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِفِتَاهُ لَا أَبْرُخُ حَتَّى أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنَ أَوْ أَمْضِي حُقْبًا» (كهف، ٤٠).

٢. «قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَبْعُكَ عَلَيْكَ أَنْ تَعْمَلَ مِمَّا عَلِمْتَ رُشْدًا» (كهف، ٦٦).

٣- وَدَخَلَ عَمَّهُ السِّجْنَ فَقَبَّانَ قَالَ أَعْذُّهُمَا إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ خَمْرًا وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَانِي أَحْمَلُ فَوْرَ رَأْسِي حُبْرًا تَكُلُّ الطَّيْرَ مِنْهُ تَسْنَا بَتْأَوْلِيهِ أَنْتَ رَاكِ منَ الْمُحْسِنِينَ (يوسف، ٢٦).

٤٠. «وَشَدَّدْنَا مُلْكَهُ وَأَتَيْاهُ الْحِكْمَةَ وَفَصَلَّ الْخُطَابَ» (سورة ص، ٢٠).

ج) علم کتاب: در ذیل کریمه «وَكَسَانِيَ كَهْ كَفَرْ وَرَزِيدَنَدْ گُويِند: تو فرستاده (خدا) نیستی، بگو: گواهی خدا و کسی که علم کتاب نزد او است، میان من و شما کافی است».^۱ مطابق روایات حضرت علی(ع) و اهل بیت(ع) علم کتاب را دارا می‌باشند (تفسیر نور، ج ۷، ص ۴۸۷). بنا بر نقل برخی از مفسرین آیه در شان حضرت علی(ع) نازل شده است (طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۱۱، ص ۴۳۶).

«یکی از یاران حضرت سلیمان، علمی از کتاب را دارا بود و تخت بلقیس را در یک چشم به هم زدن در نزد سلیمان حاضر ساخت»^۲ (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۷، ص ۳۴۹).

د) علوم ماوراء طبیعی: انسان کامل با عنایت خداوند، از علوم ماوراء طبیعی نیز برخوردار است «حضرت سلیمان گفت: ای مردم به ما سخن گفتن پرندگان تعلیم شده است».^۳ امیرمؤمنان(ع) فرمود: «خداوند به ما سخن گفتن با پرندگان را آموخت؛ همچنان که به سلیمان آموزش داد و سخن هر جنبده در خشکی و دریا را به ما تعلیم داد» (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ج ۱۵، ص ۴۲۴).

ه) دانش و حیانی: پیامبران از ناحیه خداوند به علومی پی می‌برند که نه تنها آحاد مردم بلکه حتی نوابغ هم به آن دانش‌ها دسترسی ندارند (نوح گفت): «رسالت‌های پروردگارم را به شما ابلاغ می‌کنم، و خیرخواه شما هستم و از جانب خدا چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید».^۴

و) دانش به ملکوت: قرآن می‌فرماید: «وَإِنْ كُوْنَهُ مَلْكُوتَ آَسَمَّا هَا وَزَمِينَ (وَحُكْمَتْ مَطْلَقَةِ خَدَا بِرَآَنَهَا) رَأَهُ ابْرَاهِيمَ نَشَانَ دَادِيهِمْ؛ (تَأَبَّلَ أَنَّ اسْتَدْلَالَ كَنَدْ) وَاهْلَ يَقِينٍ گَرَدد».^۵ ملکوت عالم اسرار نظم و شگفتگی‌ها و جهان غیب است که خداوند آن را به ابراهیم ارائه داد (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۳۰۹).

ز) حکمت: حکمت در اختیار انسان کامل قرار می‌گیرد. «ما به لقمان حکمت دادیم».^۶ حکمت آن شناخت علمی نافع است. حکمت حد وسط میان جهل و جربه است (طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۱۶، ص ۲۲۶).

۱. اَوْيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتُ مُرْسَلاً فُلْ كَهْ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَنِي وَبَنِيْكُمْ وَمَنْ عَنِّهُ عَلَمُ الْكِتَابُ» (رعد، ۴۳).

۲. «قَالَ اللَّذِي عِنْهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا أَتَيْكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَأَهُ مُسْتَقِرًا عِنْهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوْتِي أَلْشَكُرَ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَلَيْتَمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَلَيْنَ رَبِّي عَنِي كَرِيمٌ» (نمل، ۴۰).

۳. «وَوَرَثَ سُلَيْمَانُ دَاؤُودَ وَقَالَ يَا أَهْلَ النَّاسِ عُلِّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَأَوْتَيْنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ» (نمل، ۱۶).

۴. «أَلْيَكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَعْلَمُونَ» (اعراف، ۶۲).

۵. «وَكَذَلِكَ تَرَى إِبْرَاهِيمَ مَلْكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَيَكُونَ مِنَ الْمُؤْقِنِينَ» (انعام، ۷۵).

۶. «وَلَقَدْ أَتَيْنَا لِقْمَانَ الْحِكْمَةَ» (لقمان، ۱۲).

ح) فرقان: انسان کامل بر اثر کسب تقوا و مدیریت خویش به مرحله بالایی از روشن‌بینی و تشخیص می‌رسد. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر از (مخالفت فرمان) خدا پیرهیزید، برای شما وسیله‌ای جهت جدا ساختن حق از باطل قرار می‌دهد».¹

ط) حالت تذکر: انسان کامل همواره خود را در محضر الهی مشاهده می‌کند و با این بینش کارها را به پیش می‌برد (موسی گفت): «تو همیشه از حال ما آگاه بوده‌ای»،² انسان کامل همواره حالت هوشیاری دارد و از غفلت و بی‌توجهی دور است.

۲. ویژگی‌های عاطفی، انگیزشی

در بررسی آیات قرآن، ویژگی‌های عاطفی زیادی از انسان‌های کامل دیده می‌شود که ما آنها را در سه دسته قرار می‌دهیم؛ الف) مرتبط با خداوند مانند: محبت، خوف و خشیت، تسليم، رضایت، توکل، آرامش معنوی، احساس ایمنی، نشاط و شادی معنوی، اخلاص در اعمال، خشوع در عبادات و امیدواری به رحمت او؛ ب) مرتبط به انسان‌های دیگر مانند: محبت به همه مردم، رافت و رحمت نسبت به مؤمنین، غم و اندوه نسبت به مشکلات مردم، میل شدید به هدایت مردم، ملایمت با مردم، تواضع نسبت به مؤمنان، محبت به همسر، خانواده و خویشان، دشمنی و نفرت از سارقان معنویت، پذیرش، ولایت انبیا و اوصیا؛ ج) مرتبط با خویشتن مانند: نبود ترس و نگرانی، نبود غم و اندوه، گشادگی سینه، عفاف و تقوا، مهار کامل عاطفی خویش، حلم و کظم غیظ، عزت نفس، زهد و بی‌رغبتی به دنیا، صداقت و صبر.

ویژگی‌های عاطفی مرتبط با خداوند

الف) محبت به خداوند: «آنها که ایمان دارند، عشقشان به خدا شدیدتر است».^۳ انسان کامل عشق زایدالوصفی نسبت به خدا دارد و هر میل و محبتی در برابر عشق خدا در نظرش بی‌ارزش و به طور کلی غیر او را لائق محبت نمی‌داند.

ب) خشیت از خدا: «هر کس خدا و پیامبر را اطاعت کند و از خدا بترسد و از مخالفت فرمانش پیرهیزد، چنین کسانی همان پیروزمندان واقعی هستند».^۴ بعضی معتقدند که «مقام خشیت» مقامی بالاتر از "خوف" است، زیرا خوف به هرگونه ترس گفته می‌شود ولی خشیت ترسی است توأم با تعظیم و احترام» (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ج ۲۷، ص ۲۱۰).

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ مُرْقَاتًا وَيَكْفِرُ عَنْكُمْ سَيِّئَاتُكُمْ وَيَغْفِرُ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» (انقال، ۲۹).

۲. «إِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيرًا» (طه، ۳۵).

۳. «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنَّهُدُ حُبًّا لِلَّهِ» (بقره، ۱۶۵).

۴. «وَمَن يَطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشَى اللَّهَ وَيَتَّقَهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقِيُّونَ» (نور، ۵۲).

ج) تسلیم در برابر خدا: «آری، کسی که روی خود را تسلیم خدا کند و نیکوکار باشد، پاداش او نزد پروردگارش ثابت است».^۱ «دین و آیین چه کسی بهتر است از آن کس که خود را تسلیم خدا کند و نیکوکار باشد و پیرو آیین خالص و پاک ابرهیم گردد؟».^۲

د) رضایت به مقدرات الهی: «هم خداوند از آنها خشنود است و هم آنها از خدا خشنودند؛ این رستگاری بزرگ است».«و مسکن‌های پاکیزه‌ای در بهشت‌های جاودان (نصیب آنها ساخته) و خشنودی و رضای خدا (از همه اینها) برقرار است».^۳

ه) توکل بر خدا: توکل، بعد شناختی و عاطفی را با هم دارد. بعد شناختی توکل در مورد اسناد امور و اتفاقات به خداوند و نیز رزق و روزی را از جانب خدا دانستن است. بعد عاطفی توکل آن است که «فرد، با تکیه و اعتماد بر خدا، آرامش و اطمینان قلبی را در خویش احساس کند» (شجاعی، ۱۳۸۳، ص ۳۹ و ۴۰).

«البته شیطان را بر کسانی که ایمان آورده و بر پروردگارشان توکل می‌کنند، غلبه و سلطه‌ای نیست».«حضرت ابراهیم در جریان به آتش افتادن، توکلش تنها به خدا بود».^۴

و) آرامش معنوی: هنگامی که ما خود را در سایه لطف خدا قرار می‌دهیم و در امور زندگی خود را به او می‌سپاریم، حتی در موقع خطر و در صحنه‌های شکست، دارای آرامش خاصی هستیم. البته خداوند آرامش را در قلوب مؤمنین قرار می‌دهد و یکی از صفات او را «مؤمن» شمرده است: «سپس خداوند "سکینه" خود را بر پیامبر و بر مؤمنان نازل کرد».^۵

ز) احسان ایمنی از خدا: «ایمنی جویی در سلسله مراتب نیازهای معنوی انسان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در برخی موارد نیاز به ایمنی جویی، فرد را به عبادت سوق می‌دهد» (شجاعی، ۱۳۸۳، ص ۳۵). این نوع ایمنی جویی گرچه در مرحله بالایی قرار ندارد ولی به هر حال برای عده‌ای از مردم که در سطح وسط یا پایین تراز آن قرار دارند، مناسب است. «آری، آنها که ایمان آورند و ایمان خود را به ظلم نیالودند امنیت از آن آنها است و آنها هدایت یافتگانند».^۶

۱. «إِنَّمَا مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ أَحْسَنُ فَلَمَّا أَجْعَدَ رِيَةً وَلَا حَوْنَفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْرُبُونَ» (بقره، ۱۱۲).

۲. «أَوْمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ أَحْسَنُ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَسِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهَ إِبْرَاهِيمَ حَلِيلًا» (نساء، ۱۲۵).

۳. «قَالَ اللَّهُمَّ يَوْمُ يَنْتَعَظُ الصَّادِقِينَ صَدِقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْمِلِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَّضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (مائده، ۱۱۹).

۴. «سَاسَاكَنَ طَبِيعَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ وَرَضُوا نَّمَنَ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (توبه، ۷۲).

۵. «إِنَّمَا لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (نحل، ۹۹).

۶. «قَالُوا حَرَّثُوهُ وَانْصَرُوا لَهُمْ كَمْ إِنْ كُنْتُمْ قَائِمِينَ» (آل‌آلیاء، ۶۸).

۷. «إِنَّمَا أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ» (توبه، ۲۶).

۸. «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ أَهْمَنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ» (انعام، ۸۳).

ح) خشوع در عبادت: «مؤمنان رستگار شدند، آنها که در نمازشان خشوع دارند». ^۱ خشوع به معنی حالت تواضع و ادب جسمی و روحی است که در برابر شخصی بزرگ یا حقیقت مهمی در انسان پدید می‌آید و آثارش در بدن ظاهر می‌گردد.

ط) اخلاص در همه عبادات: «برنامه و مناسک حج را انجام دهید) در حالی که همگی خالص برای خدا باشید و هیچ‌گونه شریکی برای او قائل نشوید». ^۲ این آیه مسئله اخلاص و قصد قربت را به عنوان محرك اصلی در حج و عبادات بهطور کلی یادآور می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ج ۱۴، ص ۹۴).

ویژگی‌های عاطفی مرتبه با انسان‌های دیگر

الف) محبت نسبت به مردم: انسان کامل مردم را عیال الله به حساب می‌آورد و آنها را دوست دارد و اگر کوچک‌ترین ناراحتی به مردم برسد، ناراحت می‌شود. پیامبر اسلام این‌گونه بود: «ناراحتی مردم برایش سخت بود و برآسایش آنان حربیص و نسبت به مؤمنان رئوف و مهربان بود». ^۳ نیز «گویی می‌خواهد جان خود را از شدت اندوه از دست بددهد به خاطر اینکه آنها ایمان نمی‌آورند». ^۴

ب) نرم‌خواهی و دارای روحی لطیف: «پیامبر به (برکت) رحمت الهی، در برابر مردم، نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بود، از اطراف او پراکنده می‌شدند». ^۵

ج) عدالت: انسان کامل به گونه‌ای خود را با عدالت عجین ساخته که تجسم عدل گشته و همگان می‌توانند از او الگو بگیرند. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت گواهی دهید! دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند!». ^۶

د) راستی: پیامبر اسلام در مورد برخی از سؤالاتی که از او شد با صداقت می‌فرمود نمی‌دانم؛ مثلاً در مورد فرارسیدن قیامت فرمود: «بگو! تنها علم مربوط به آن در نزد خدای من است». ^۷ در مورد روح نیز می‌گوید: «روح از فرمان پروردگار من است؛ و جز اندکی از دانش، به شما داده نشده است». ^۸

۱. «أَقْدَ أَفَّالْجَ المُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ حَافِظُونَ» (مؤمنون، ۱ و ۲).

۲. «خَنَّقَاهُ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ وَمَنْ يُشْرِكُ بِاللَّهِ فَكَلَّتْنَا بَعْنَ السَّمَاءِ فَخَنَّقَهُ الطَّيْرُ أَوْ نَهَرِي بِهِ الرَّيْحُ فِي مَكَانٍ سَجِيقٍ» (حج، ۳۱).

۳. «الَّذِي جَاءَكُمْ رَسُولُنَا مِنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنْتُمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ» (توبه، ۱۲۸).

۴. «الْعَالَّكَ بَايْعَ ثَقْنَسَكَ أَلَا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» (شعراء، ۳).

۵. «فَإِمَّا رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ لِنَتَ لَهُمْ وَلَمَّا كُنْتَ قَطْأً غَلِظَ الْقُلُبُ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ...» (آل عمران، ۱۹۵).

۶. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُنُبُوا قَوْمَ امِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءِ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمُنَّكُمْ شَتَّانُ قَوْمٍ عَلَى أَلَا تَعْدِلُوا أَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَإِنَّهُمْ

اللَّهُ أَنَّ اللَّهَ خَيْرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (مائده، ۸).

۷. «فُلْ إِنَّمَا عَلَمْهَا عِنْدَ اللَّهِ» (احزاب، ۶۳).

۸. «وَيَسَّلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّيِ وَمَا أُوتِيْتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قِبِيلَهَا» (اسراء، ۸۵).

ه) تواضع نسبت به مؤمنان: خداوند به پیامبر گوشزد می‌کند که «... بال و پر خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند بگستر». ^۱ و در جای دیگر آمده: «روی زمین با تکبر راه مرد! تو نمی‌توانی زمین را بشکافی و طول قامت هرگز به کوهها نمی‌رسد». ^۲

و) خشن دربرابر دشمن: قرآن درباره حضرت محمد(ص) و یاران او می‌فرماید: «محمد فرستاده خدا است و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهریان هستند». ^۳ ز) پذیرش ولايت رسول و وصی او: قرآن می‌فرماید که «سپریست و ولی شما تنها خدا است و پیامبر او و آنها که ایمان آورده‌اند، همان‌ها که نماز را بربا می‌دارند، و در حال رکوع، زکات می‌دهند»؛ ^۴ و کسانی که ولايت خدا و پیامبر او و افراد با ایمان را پذیرند (پیروزند؛ زیرا)، حزب و جمعیت خدا پیروز است». ^۵

ح) اندوه نسبت به مشکلات مردم: «رسولی از خود شما به سویتان آمد که رنج‌های شما بر او سخت است». ^۶ «هرگونه ناراحتی و ضرری به شما رسد برای او سخت ناراحت‌کننده است. یعنی او نه تنها از ناراحتی شما خشنود نمی‌شود، بلکه بی‌تفاوت هم نخواهد بود، او بهشدت از رنج‌های شما رنج می‌برد» (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ج ۸، ص ۴۰۷).

ویژگی‌های عاطفی مرتبط با خویشتن

الف) نبود ترس و نگرانی: «اگاه باشید (دوستان و) اولیای خدا، نه ترسی دارند و نه غمگین می‌شوند». ^۷ «توصیف اهل ایمان به اینکه نه ترسی دارند و نه غمگین می‌شوند، دلالت دارد بر درجه عالی ایمان که با آن معنی عبودیت تمام می‌شود؛ از فوت چیزی نمی‌ترسد و محزون نمی‌شود» (طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۹۰).

ب) گشادگی سینه: «ای پیامبر! آیا ما سینه تو را گشاده نساختیم؟». ^۸ مقصود از شرح صدر توسعه دادن به روح و فکر پیامبر و نیز وسعت علمی از طریق وحی و گسترش تحمل و استقامت در برابر لجاجات‌ها و کارشکنی‌های دشمنان است. حضرت موسی در مأموریت خویش به سوی فرعون از پروردگار خود سینه گشاده طلب کردند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ج ۲۷، ص ۱۲۲).

۱. «الْخَيْضُ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (شعراء، ۲۱۶).

۲. «أَوَلَا تَنْعُشُ فِي الْأَرْضِ مَرَحَّاً إِنَّكَ لَنْ تَخْرُقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَنْتَلِعَ إِلَيْهَا طُولًا» (اسراء، ۳۷).

۳. «إِنَّمَا يُحَمَّدُ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشْدَاءٌ عَلَى الْكُفَّارِ رُحْمَاءٌ بَيْنَهُمْ» (فتح، ۲۹).

۴. «إِنَّمَا وَلِيَكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا إِلَيْهِمْ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيَوْمَ الْزَكَّةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده، ۵۵).

۵. «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» (مائده، ۵۶).

۶. «الْقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَوُوفٌ رَّحِيمٌ» (توبه، ۱۲۸).

۷. «أَلَّا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا يَخْوِفُ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزُنُونَ» (يونس، ۶۲).

۸. «أَنَّمَا نَشْرِحُ لَكَ صَدْرَكَ» (شرح، ۱).

ج) عزت نفس: «آنها می‌گویند: اگر به مدینه بازگردیم عزیزان، ذلیلان را بیرون می‌کنند، در حالی که عزت مخصوص خدا و رسول و مؤمنان است، ولی منافقان نمی‌دانند».۱ عزت به مفهوم قدرت شکست‌ناپذیر است. مرد عزیز یعنی مردی که مغلوب و مقهور نمی‌گردد (ابن منظور، ج ۹، ص ۱۸۵). (ابن منظور، ج ۱۰۸، ص ۱۴۰).

د) کظم غیظ: خداوند در وصف متین می‌فرماید: «همان‌ها که در توانگری و تنگدستی انفاق می‌کنند؛ و خشم خود را فرومی‌برند».۲ کظم به معنی رد و حبس کردن آمده است (همان، ج ۱۲، ص ۱۰۵) و غیظ به مفهوم غصب (همان، ج ۱۰، ص ۱۵۸).

ه) زهد: حضرت علی(ع) می‌فرماید: «زهد در دو جمله قرآن خلاصه شده است: «... اینکه متأسف نشوید بر آنچه (از مادیات دنیا) از شما فوت می‌شود و شاد نگردید بر آنچه خدا به شما می‌دهد». هر کس بر گذشته اندوه نخورد و برای آینده شادمان نشود، بر هر دو جانب زهد دست یافته است» (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۹).

۳. ویژگی‌های رفتاری انسان کامل

این ویژگی‌ها در چهار بُعد: معنوی الهی، اجتماعی، اقتصادی، شخصی خانوادگی، سیاسی نظامی بررسی می‌شود.

رفتارهای معنوی الهی

الف) نماز: انسان‌های کامل نمازهای واجب خود را اقامه می‌کنند و از خدا می‌خواهند که آنان را از اقامه کتنده‌گان نماز قرار دهد. قرآن کریم از زبان ابراهیم(ع) می‌فرماید: «پروردگار! مرا برپاکننده نماز قرار بده و از فرزندانم (نیز چنین فرما) پروردگار! دعای مرا بپذیر».۳

ب) روزه: «ای افرادی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما نوشته شده، همان‌گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شد، تا پرهیزکار شوید».۴

ج) عبادات شباهه: قرآن در وصف بنده‌گان خدای رحمان، شب زنده‌داری آنان به قیام و سجده را بیان می‌کند.^۵ و پاسی از شب را (از خواب برخیز) قرآن (ونماز) بخوان!

۱. «هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَىٰ مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا وَلَلَّهِ خَرَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكُلُّ الْمُنَافِقِينَ لَمْ يُفْقُهُونَ» (منافقون، ۸).

۲. «الَّذِينَ يَنْفَقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَاءِ وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْطَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يَحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (آل عمران، ۱۳۴).

۳. «الرَّبُّ الْجَعْلَنِيْ مُقْبِلُ الصَّلَاةَ وَمَنْ ذُرِّتِيْ رَبِّنَا وَتَكَبَّلَ دُعَاءً» (ابراهیم، ۴۰).

۴. «إِنَّمَا الَّذِينَ آمَنُوا كُثُبَ عَلَيْكُمُ الصَّيَامُ كَمَا كُثُبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره، ۱۸۳).

۵. «وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقَيَّاً» (فرقان، ۴۶).

این وظیفه اضافی برای تواست؛ امید است پروردگارت تورا به مقامی در خور ستایش برانگیزد».^۱

د) قرائت کتاب الهی: انسان‌های کامل با شایستگی تمام به قرائت قرآن می‌پردازند و از نورانیت آن وجود خویش را منور می‌سازند. خداوند به پیامبر اسلام دستور می‌دهد که «نیمی از شب را یا کمی از آن کم کن، یا بر نصف آن بیفرزا، و قرآن را با دقت و تأمل بخوان». ^۲

ه) حج و مناسک آن: رفتن به زیارت خانه خدا و اعمال و مناسک عبادی حج که با شرایطی برآدمی واجب می‌شود، موجب کمال بیشتر می‌گردد. خداوند متعال می‌فرماید: «در آن، نشانه‌های روشن، (از جمله) مقام ابراهیم است؛ و هر کس داخل آن [= خانه خدا] شود، در امان خواهد بود؛ و برای خدا بر مردم است که آهنگ خانه (او) کنند، آنها که توانایی رفتن به سوی آن را دارند». ^۳ ائمه(ع) بارها پیاده به سفر حج می‌رفتند (حرّ عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۸، ص ۸۸) و حضرت حجۃ ابن‌الحسن(ع) هرساله در سفر حج حضور دارند (حرّ عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۸، ص ۹۶).

و) شروع کار با نام خدا: انسان کامل هر کاری را به یاد او و با نام او آغاز می‌کند. حضرت نوح حرکت دادن کشتی و ایستایی آن را متوقف بر «بسم الله» می‌داند. حضرت سلیمان در نامه‌ای که به ملکه سبا نوشت آغاز آن را «بسم الله» قرار داد.^۴

ز) رعایت دستورات الهی: انسان‌های کامل همواره به دنبال انجام رفتارهایی هستند که رضایت خدا را جلب می‌کند و هنجارهای دینی را رعایت می‌کنند. مطابق دستورات دینی می‌خورند و می‌آشامند؛ در رفتارهای جنسی، مراقب پاکدامنی خود می‌باشند. همه جزئیات زندگی آنها براساس دستورات الهی شکل می‌گیرد.

رفتارهای اجتماعی، اقتصادی

الف) رفتار ملایم: «خداوند متعال کسی را که از آمدن یک نایبنا در کنار او روتراش کرده، مورد توبیخ و سرزنش قرار داده است». ^۵ انسان کامل پناه و حامی مستضعفان است و آنها را از خود طرد نمی‌کند.

۱. «وَمِنَ الْأَلْيَلِ فَتَهَبَّجُدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَن يُعَذِّكَ رُبُوكَ مَقَاماً مَحْمُودَاً» (اسراء، ۷۹).

۲. «النَّصْفَهُ أَوْ انْقُصُّ مِنْهُ قَلِيلًا * أُوْزِدْ عَلَيْهِ وَرَتَلَ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا» (مزمل، ۲ و ۴).

۳. «فِيهِ آيَاتٌ يَبَيِّنَاتٌ مَقَامٌ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجَّ الْيَتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ عَنِ الْعَالَمِينَ» (آل عمران، ۹۷).

۴. «وَقَالَ رَبُّكُمْ يُؤْتِهَا سُبْنَ اللَّهِ مَحْرُّها وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّيَ الْعَفْوُرَ رَحِيمٌ» (هود، ۴۶)؛ «إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَلِلَّهِ سُبْنَ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» (سمل، ۳۰).

۵. «عَبَّسَ وَتَوَلََّ * أَنْ جَاءُهُ الْأَعْمَى» (عبس، ۱ و ۲).

ب) کمک به محروم‌مان: حضور پیامبر(ص) در پیمان حلف‌الفضل نمونه‌ای از حمایت انسان‌های کامل از مظلوم‌مان است (سبحانی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۸۴).

ج) حرکت بر پایه عدالت و قسط: «پیامبران الهی به سوی مردم گسیل شده‌اند تا مردم به عدالت و قسط قیام نمایند».^۱

د) مدارا با مردم: مدارا کردن با مردم از هنجارهایی است که از ناحیه انسان کامل نسبت به کسانی که در حق او جفا کرده‌اند، صورت می‌گیرد. «با آنها مدارا کن و عذرشان را پیذیر و به نیکی‌ها دعوت نما و از جاهلان روی بگردان (و با آنها ستیزه مکن)».^۲

ه) حمایت‌های مالی از مردم: یکی دیگر از رفتارهای انسان کامل پرداخت زکات و خمس و ادائی حقوق مالی است. «ای پیامبر! از اموال آنها صدقه‌ای (به عنوان زکات) بگیر، تا به وسیله آن، آنها را پاک‌سازی و پرورش دهی! و (به هنگام گرفتن زکات) به آنها دعا کن، که دعای تو، مایه آرامش آنها است، و خداوند شنو و دانا است».^۳

انفاق مستحب و بخشش مال به محروم‌مان از دیگر رفتارهای حمایتی انسان کامل است.

«علی (ع) چهار درهم نزد خود داشت یک درهم آن را شب، یک درهم را روز، یک درهم آن را آشکار و یک درهم آن را پنهانی صدقه داد» (زمخشري، ۱۳۹۷ق، ج ۱، ص ۳۹۸). آیه‌ای در شأن آن حضرت نازل گردید که «آنان که اموال خود را شب و روز، پنهان و آشکارا انفاق می‌کنند، مزدشان نزد پروردگارشان است؛ نه ترسی بر آنها است و نه غمگینی می‌شوند».^۴

ز) مشورت با مردم در تصمیم‌گیری‌ها: «ای پیامبر! در کارها با آنها مشورت کن». پیامبر اسلام در جنگ بدر و نیز در جنگ احـد نیز درباره تصمیمات نظامی، با اصحاب مشورت کرد (مطهری، بی‌تا، ص ۲۴۱).

رفتارهای شخصی، خانوادگی

«و از نشانه‌های خداوند این است که همسرانی، از جنس خودتان، برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید».^۵ مرد و زن هر کدام به تنها یی ناقص و به دیگری نیازمند است و از مجموع مرد و زن، واحد تمامی به وجود می‌آید؛ به جهت همین نقص، هر کدام از زن و مرد به سوی

۱. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا إِلَيْنَا بِالْبُيُّنَاتِ وَأَنَّزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمُبِينَ لِيَقُولَمَ النَّاسُ بِالْقُسْطِ» (حدیث، ۲۵).

۲. «خُذُ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِيَّةِ» (اعراف، ۱۹۹).

۳. «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُظَهِّرُهُمْ وَتُرْكِيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَيِّعُ عَلَيْهِمْ» (توبه، ۱۰۳).

۴. «الَّذِينَ يَنْفَعُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سُرُّ وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرٌ هُمْ عَنِ رَبِّهِمْ وَلَا حُنْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ بِخُرُّونَ» (بقره، ۲۷۴).

۵. «وَشَاكِرُهُمْ فِي الْأُمُورِ» (آل عمران، ۱۵۹).

۶. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنَّ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنفُسِكُمْ أَزْواجًا لِتُسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ لَيْكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَكَيْاتٍ لَقُومٌ يَنْكَرُونَ» (روم، ۲۱).

جفت خود حرکت می‌کند و با رسیدن به همسر خود، سکونت و آرامش پیدا می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۱۶، ص ۱۷۳ و ۱۷۴). پس یکی از آثار روان‌شناختی ازدواج، کمال و رشد انسان است (سالاری‌فر، ۱۳۸۹، ص ۵۷). کسانی که ازدواج نکرده‌اند با وجود عفاف، نوعی رشدناپایگی در آنها دیده می‌شود (مصطفوی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۶ و ۲۶۷). بنابراین یکی از ویژگی‌های انسان کامل نگرش مثبت به ازدواج و انجام آن می‌باشد.

البته حق همسر و خانواده تنها با تأمین هزینه زندگی و فراهم کردن مسکن و تغذیه و پوشان حاصل نمی‌شود بلکه مهم‌تر از آن تغذیه روانی آنها با به کار گرفتن اصول صحیح تعلیم و تربیت است» (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ج ۲۴، ص ۲۸۶). انبیا فرزندان خود را به اقامه نماز دعوت می‌کردند در مورد پیامبر اسلام(ص) آمده است: «خانواده خود را به نماز فرمان ده و بر انجام آن شکیبا باش! از توروزی نمی‌خواهیم؛ (بلکه) ما به توروزی می‌دهیم؛ و عاقبت نیک برای تقوی است».۱

انسان کامل، به تربیت خانواده توجه ویژه‌ای دارد و برای رسیدن به آن، همه تلاش خود را مبذول می‌دارد. «آنها پیوسته از درگاه خدا دعا می‌کنند که پروردگار! از همسران و فرزندان ما کسانی قرار ده که مایه روشنی چشم ما گردد».۲

انسان‌های کامل نسبت به رعایت عفاف در همسران خود حساس هستند. «ای پیامبر، به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو: جلباب‌ها [رسروی‌های بلند] خود را بر خویش فروافکنند، این کار برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار و اذیت قرار نگیرند بهتر است».۳ «آنان با همسر به طور شایسته و صحیح رفتار می‌کنند».۴

رفتارهای شخصی، خانوادگی و مباحث تربیتی خانواده گسترده‌تر است از آنکه بشود حتی اشاره‌ای در این مختصراً به آنها داشته باشیم، بنابراین علاقه‌مندان را به متنون تخصصی در آن باب، ارجاع می‌دهیم.

رفتارهای سیاسی، نظامی

حکم به حق: انسان کامل در صورتی که به حکومت رسید، حق محوری را سرلوحه امور

۱. «أَمْرَ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى» (طه، ۱۳۲).

۲. «فَقَدْ كَلَّ بِكُمْ بِمَا تَقْوُلُونَ فَمَا تَسْتَطِعُونَ صَرَفًا وَلَا نَصْرًا وَمَنْ يَظْلِمْ مِنْكُمْ نُذْفَهُ عَذَابًا كَبِيرًا» (فرقان، ۱۹).

۳. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَا إِرْرَاجِكَ وَسَيِّدَكَ وَسَاءُ الْمُؤْمِنِينَ يَدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَدِيْهِنَّ لَكِ أَدْنَى أَنْ يَعْرَفَ فَلَا يَوْمَينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا» (احزاب، ۵۹).

۴. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحْلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوَ النِّسَاءَ كَهَّا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَنْهَيُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِعَاجِشَةٍ مُّبِينَ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرُهُوْا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيْهِ خَيْرًا كَثِيرًا» (نساء، ۱۹).

خویش قرار می‌دهد. «ای داود ما تو را خلیفه (و نماینده خود) در زمین قرار دادیم، در میان مردم به حق داوری کن، و از هواي نفس پیروی نکن که تو را از راه خدا منحرف می‌سازد».۱ احیای احکام الهی: هنگامی که انسان کامل مبسوط الید شده و تمکن یافت اقدام به برپایی و زنده کردن احکام الهی می‌نماید. همان کسانی که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و پایان همه کارها از آن خدا است.۲

رجوع به دستور الهی در نزاع: انسان‌های کامل تنها از حکم خدا و رهبر الهی تبعیت می‌کنند و در هنگام نزاع، به طاغوت مراجعه نمی‌کنند. بلکه به رسول خدا و رهبر دینی مراجعه می‌کنند. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولی‌الامر [= اوصیای پیامبر] را و هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید (واز آنها داوری بطلیبد) اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید».۳

تقویت روحی، روانی: مسلمانان به جهت انگیزه الهی و ایمان سرشار به خداوند و معاد و شوق رفتن به بهشت از جنگ کردن و کشته شدن هراسی ندارند. اگر بکشند، پیروزند و اگر کشته شوند باز هم پیروزند. انسان‌های کامل با پشتونه عقیدتی محکم و با صبر و استقامت می‌توانند بر نفرات زیادی از دشمن پیروز شوند.^۴

برای مطالعه رفتارهای سیاسی - نظامی انسان کامل از دیدگاه قرآن نیز باید به متون تخصصی مراجعه کرد.

۴. ویژگی‌های سه‌بعدی انسان کامل

برخی از ویژگی‌های انسان کامل در قرآن، دارای هر سه جنبه شناختی، عاطفی و رفتاری است. ایمان به خداوند، انبیا و رسالت آنها، نیز ایمان به زندگی پس از مرگ و پاداش و عقاب اخروی، ایمان به غیب، باور به ولایت و وصایت اولیای الهی همه سه‌بعدی هستند.

به نظر می‌رسد که مقوله ایمان، سه‌بعدی است. یک بُعدش شناختی، بُعد دیگرشن عاطفی و انگیزشی و بُعد سوم آن آمادگی رفتاری است. این تحقیق نظریه سه‌بعدی بودن ایمان

۱. «يَا ذَاوَوْدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيقَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحُقْوَقِ وَلَا تَتَنَعَّجْ الْهَوَى فَيَضْلِلَكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضْلِلُونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ» (سوره ص، ۴۶).

۲. «الَّذِينَ إِنْ مَكَاهِمْ فِي الْأَرْضِ أَقَمُوا الصَّلَاةَ وَاتَّقُوا الرِّزْكَةَ وَأَمْرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج، ۴۱).

۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطْبِعُوا اللَّهَ وَأَطْبِعُوا الرَّسُولَ وَأُولُو الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْأَوْلَيْمُ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (نساء، ۵۹).

۴. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضْ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىَ الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَعْلَمُوْ مِنَّهُمْ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مَّهْ يَعْلَمُوْ أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِإِيمَنِهِمْ قَوْمٌ لَا يَفْهَمُونَ» (انفال، ۶۵).

را که برخی محققان تبیین نموده‌اند (جمعی از مؤلفان، ۱۳۸۵، ص ۱۴۰) را پذیرفته و بر همین اساس سه مقوله ایمانی مهم یعنی ایمان به خدا، رسالت انبیا و معاد را از ویژگی‌های انسان کامل می‌داند و به تبیین آن می‌پردازد.

ایمان به خداوند و باور توحیدی در رأس باورهای انسان کامل است. در قرآن این باور را از همه انبیا نقل می‌کند. هنگامی که خداوند موسی(ع) را به پیامبری برگزید به او فرمود: «پس به آنچه به تو وحی می‌شود گوش فراده! همانا منم الله، جز من خدایی نیست». و در مورد دیگر آمده «ما پیش از تو هیچ پیامبری نفرستادیم مگر اینکه به او وحی کردیم که معبدی جز من نیست بنابراین تنها مرا پرستش کنید».۲

(حضرت ابراهیم گفت): «من روی خود را به سوی کسی کردم که آسمان‌ها و زمین را آفریده، من در ایمان خود خالص و از مشرکان نیستم».۳

ایمان به صفات نامتناهی خدا نیز از توابع ایمان به خدا است. ابراهیم(ع) گفت: «پروردگار! تو می‌دانی آنچه را ما پنهان و یا آشکار می‌کنیم، و چیزی در زمین و آسمان بر خدا پنهان نیست!».۴ در این آیه ایمان حضرت ابراهیم به علم نامتناهی خداوند را بیان می‌کند. انسان کامل اراده خداوند را بر همه علل و عوامل حاکم بر طبیعت قاهر و غالب می‌داند. حضرت زکریا در سن پیری، هنگامی که پایه بدن او یعنی استخوان‌ها به ضعف و سستی گرایید و بدن او ضعیف شده بود باز هم از خداوند درخواست فرزند کرد. «خداوند! از طرف خود فرزند پاکیزه‌ای (نیز) به من عطا فرما».۵

انسان‌های کامل به پیامبران و اوصیای آنان نیز ایمان دارند. «و (به یاد آور) زمانی را که خداوند از پیامبران (گذشته) پیمان گرفت که هرگاه کتاب و حکمت به شما دادم، سپس پیامبری (در آینده) به سوی شما آمد که او آنچه را که با شما است (تورات و انجیل) قبول داشت حتماً باید به او ایمان آورید و قطعاً باید او را یاری کنید».۶ مؤمنین می‌گویند: «ما فرق نمی‌گذاریم بین هیچ کدام از پیامبران در ایمان به آنان یعنی این‌طور نیستیم که به بعضی ایمان

۱. «أَنَا الْخَتُّوكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ * إِنِّي أَنَا اللَّهُ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُنِي وَلَقِيمُ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» (طه، ۱۳ و ۱۴).

۲. «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَبَنَّلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْحَيْثِ فِتْنَةٌ وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ» (انبياء، ۳۵).

۳. «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَبَنَّلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْحَيْثِ فِتْنَةٌ وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ» (انعام، ۱۵۹).

۴. «إِنَّمَا تَعْلَمُ مَا تُنْهَىٰ وَمَا تُعْلَمُ وَمَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ» (ابراهیم، ۳۸).

۵. «رَبُّ هَبْ لِي مِنْ لَذِكْرِ ذُرْيَةٍ طَيْبَةً» (آل عمران، ۳۸).

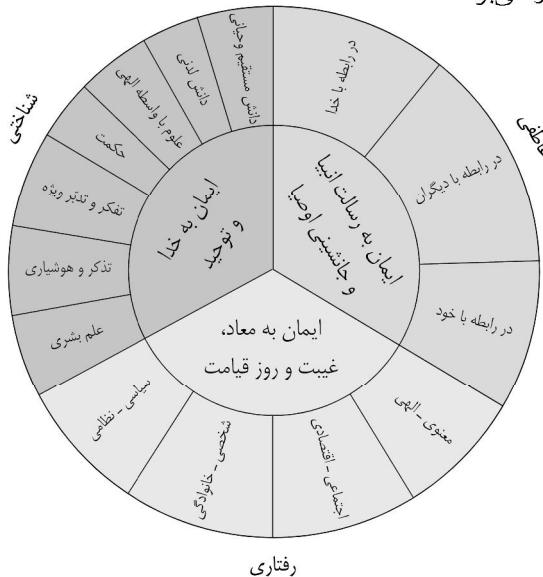
۶. «وَإِذَا حَدَّ اللَّهُ مِنَاقَ الْتَّيْبَنَ لَمَّا آتَيْتُمُوهُمْ كِتَابًا وَحِكْمَةً فَمَمَّا جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ تَوْمِينٌ بِهِ وَلَتَنْصُرُهُ قَالَ أَفَرَرْتُمْ وَأَخْذَتُمْ عَلَى ذَكِرِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَفَرَرْنَا قَالَ فَأَشْهَدُوا وَأَنِّي مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ» (آل عمران، ۸۱).

بیاوریم و به بعضی دیگر کافر شویم همچنان که اهل کتاب از یهود و نصاری این کار را انجام دادند» (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۶۸۹).

ایمان به قرآن و پذیرش آن در کنار ایمان به عترت است (همان، ج ۲، ص ۶۸۹).

انسان‌های کامل علاوه بر ایمان به خداوند و پیامبران و اوصیای آنها، به معاد و روز رستاخیز نیز ایمان دارند. انسان کامل می‌داند که خداوند هستی را بیهوده و باطل نیافریده، و اعتقاد راسخ به معاد و بازگشت به سرای دیگر دارد. او می‌داند که عده‌ای از بندگان خداوند به خاطر سرکشی و نافرمانی حق، گرفتار عذاب الهی می‌باشند، از این‌رو می‌گوید: «پروردگار! هر کس را به دوزخ افکنی، پس او را خوار ساخته‌ای و برای ستمگران یاوری نیست».^۱

ایمان به معاد عاملی قوی برای حرکت به سمت خوبی‌ها است. «بلکه نیکی (و نیکوکار) کسی است که به خدا و روز رستاخیز و فرشتگان و کتاب و پیامبران ایمان آورده است».^۲ انسان‌های کامل به وسیله ایمان راسخ به معاد، امیال خود را تعدیل می‌کنند و از آیات الهی کمال استفاده را می‌برند.



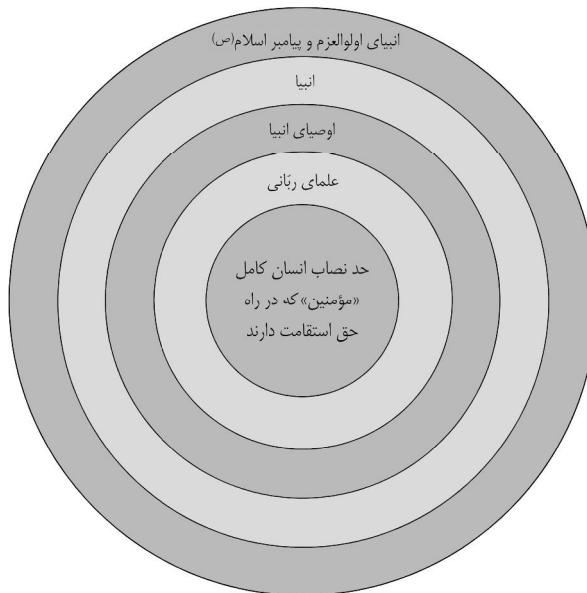
شكل ۳: ویژگی‌های انسان کامل در قرآن

ویژگی‌های سه‌بعدی در دایره مرکزی ویژگی‌های یک‌بعدی در سه بخش دایره بزرگ آمده است.

۱. «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَاماً وَتَعْرُضاً وَعَلَى جُنُوبِهِمْ وَيَغْكُرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقَنَّا عَذَابَ النَّارِ» (آل عمران، ۱۹۲).

۲. «إِنَّ الَّذِينَ أَنْتُولُوا وَجْهَهُمْ قَبْلَ الْمَشْرُقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الَّذِينَ مِنْ أَمْنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالثَّيْنِ وَأَتَى الْمَالَ عَلَى حُلُّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلَيْنَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَاتَّى الزَّكَوَةَ وَالْمُؤْمِنُونَ يَعْهُدُهُمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرُونَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقِنُونَ» (بقره، ۱۷۷).

بررسی آیات مربوط به انسان‌های کامل و دیدگاه‌های مفسران شیعه نشان می‌دهد که ایمان و مراتب آن، نشان‌دهنده کمال و مراتب آن در قرآن است. به این ترتیب، اوج کمال انسانی در بالاترین مرتبه ایمان به خدا است. (در شکل مراتب انسان کامل را در طرحی به تصویر کشیده‌ایم).



پایین‌ترین مرتبه انسان کامل، مؤمنان هستند که در راه خدا استقامت ورزیده‌اند. دومین مرتبه علمای ربانی هستند که علاوه بر ایمان و تقوا، به مقام هدایتگری معنوی مردم رسیده‌اند. در مرتبه بعدی اوصیای انبیا قرار گرفته است، سپس انبیای الهی و از میان آنها پیامبران اولوالعزم و درنهایت پیامبر اسلام(ص) را می‌توان دارای بالاترین مراتب کمال دانست.

البته در میان انسان‌های کامل، افرادی وجود دارند که نمی‌توان مرتبه واقعی آنان را معین کرد، برای نمونه حضرت علی(ع)، حضرت فاطمه(س) و ائمه معصومین(ع)، جایگاه والایی دارند که گاه از بسیاری از انبیای الهی بالاتر شمرده شده‌اند. در این بررسی ما براساس ظواهر آیات قرآن طرحی ترسیم کردیم، هرچند اذعان داریم که درک بطون آیات قرآن می‌تواند درک روشن‌تری از مراتب کمال در اختیار قرار دهد.

منابع

قرآن کریم.
نهج البلاغه.

آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶)، غرزالحكم و دررالكلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
ابن سینا (۱۴۰۴)، الشفاء، قم: نشر مکتبه آیت الله المرعشی نجفی.
ابن منظور (۱۴۰۸)، لسان العرب، چ ۱، بیروت: نشر دار احیاء التراث العربی.
 بشیری، ابوالقاسم (۱۳۸۸)، ارائه الگوی انسان کامل براساس ویژگی‌های شخصیتی پیامبر اکرم (ص) از دیدگاه قرآن کریم، پایان‌نامه دکترا، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

جلیلی، عبدالکریم (بی‌تا)، انسان الكامل فی معرفة الاخر وال اوائل، بیروت: [بی‌نا].
جمعی از مؤلفان (۱۳۸۵)، روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، چ ۲، قم: نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
حرّ عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۳)، وسائل الشیعه، چ ۵، بیروت: نشر دار احیاء التراث العربی.

زمخشی، جارالله (۱۳۹۷)، الكشاف عن حقائق التنزيل، چ ۱، [بی‌جا]: نشر دارالفکر.
سالاری‌فر، محمدرضا (۱۳۸۹)، آشنایی با روان‌شناسی، چ ۱، قم: نشر هاجر.
سبحانی، جعفر (۱۳۷۰)، فروع ابدیت، چ ۶، قم: نشر دفتر تبلیغات اسلامی.
شجاعی، محمد صادق (۱۳۸۳)، توکل به خدا، حرمت خود و سلامت روان، چ ۱، قم: نشر مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
شولتس، دوان (۱۳۸۴)، روان‌شناسی کمال، مترجم گیتی خوشدل، چ ۱۲، تهران: نشر پیکان.
 Shirazi, Sadr al-Matlaheen (1981), Al-Hukma al-Mutaliya, چ ۳، بیروت: Nosh Dar Ahiaat al-Tarath al-Arabi.

صفار قمی، ابو جعفر (۱۴۰۴)، بصائر الدرجات، تصحیح میرزا محسن کوچه باگی، قم: نشر مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۲)، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
طبرسی، ابی علی الفضل بن الحسن (۱۴۰۸)، مجتمع البیان، چ ۲، بیروت: نشر دارالمعرفه.

عاملى، زین‌الدین بن علی (۱۴۰۲)، منیة المرید، [بی‌جا]: نشر مجتمع الذخایر الاسلامیه.
کلینی، محمد بن یعقوب (بی‌تا)، اصول کافی، مترجم سید‌جواد مصطفوی، [بی‌جا]: نشر
فرهنگ اهل‌بیت.

- مجلسی، محمدباقر (۱۹۸۳)، بحار الانوار، چ ۲، بیروت: نشر مؤسسه الوفاء.
مطهری، مرتضی (۱۳۶۲)، انسان کامل، قم: نشر دفتر انتشارات اسلامی.
_____ (۱۳۸۹)، تعلیم و تربیت در اسلام، چ ۶۷، تهران: نشر صدرا.
_____ (بی‌تا)، سیری در نهج‌البلاغه، تهران: نشر صدرا.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۷)، تفسیر نمونه، چ ۲۳، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.